

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: والننتین کاتاسانوف (Valentin Katasonov)
برگردان: ا. م. شبیری
۱۶ دسمبر ۲۰۲۲

ایدئولوژی چینی

ترکیب نامتجانس ساختار اجتماعی-اقتصادی چین-۲



در سال ۲۰۲۱، شی جین پینگ برای اولین بار موفق شد روند خصوصی سازی پوشیده اقتصاد چین را معکوس کند.

تقویت موقعیت بخش خصوصی در چین بدون اعلام رسمی خصوصی سازی شرکت های دولتی صورت گرفت. بخش خصوصی موقعیت خود را به لطف توسعه پویاتر در مقایسه با غول های دولتی تقویت کرد. در میان برخی از رهبران دولتی و حزبی چین، بر این باور بودند که کسب و کار خصوصی از شرکت های دولتی رقابتی تر است. ایدئولوژی «سوسیالیسم بازار» بیشتر و بیشتر مورد حمایت بخشی از رهبری حزب و دولت چین قرار گرفت. به تدریج، سرمایه خصوصی بخش بیشتر اقتصاد چین را در اختیار گرفت.

برخی از مقامات چینی و رهبران حزب بر این باورند که نگرانی ها در مورد از دست دادن موقعیت های کلیدی دولت در اقتصاد بی اساس است و توضیح می دهند که کمونیست های چینی با کمک شرکت های بزرگ خصوصی و دولتی اقتصاد را کنترل می کنند. با این حال، برآوردهای مؤسسه پترسون در امور اقتصاد جهانی (ایالات متحده آمریکا) این

تصور را مورد تردید قرار داد و نوشت: زمانی که شی جین‌پینگ در سال ۲۰۱۲ به قدرت رسید، تعداد شرکت‌های خصوصی در میان ۱۰۰ شرکت برتر چین بر اساس ارزش بازار ۱۷ شرکت، یعنی تقریباً سه برابر کمتر ۴۹ از شرکت در پایان سال ۲۰۲۱ بود.

درست است، که در سال ۲۰۲۱ روند ایجاد موقعیت‌های بزرگترین کسب و کار چینی متوقف شد. تعداد شرکت‌های خصوصی در ۱۰۰ شرکت برتر (بر اساس ارزش بازار) از ۵۳ شرکت در پایان سال ۲۰۲۰ به ۴۹ شرکت در پایان سال گذشته کاهش یافت. به گفته برخی کارشناسان، شی جین‌پینگ، سال گذشته برای اولین بار پس از چندین سال، موفق شد روند خصوصی‌سازی پنهان اقتصاد چین را معکوس کند.

در سال ۲۰۱۹، در رسانه‌های روسیه اطلاعات هیجان‌انگیز دایر بر این منتشر شد، که پس از به قدرت رسیدن شی جین‌پینگ (در سال ۲۰۱۲)، پاکسازی گسترده مقامات فاسد که اموال دولتی را دزدیدند، در چین آغاز شد. در نتیجه محاکمه‌ها، ۴۰۸۲ سهامدار، از جمله ۱۰۳۹ شهروند خارجی از اموال خود محروم و به حبس ابد در اردوگاه‌های کار محکوم شدند. ۵۹۰ نفر از آن‌ها به طور غیابی محاکمه شد. بیش از ۶۰۰۰ تن از مقامات نیز که فروش اموال دولتی را ترتیب داده بودند، به طرز مشابهی مجازات شدند. علاوه بر آن‌ها، در حدود ۱۵۰۰۰ نفر در سراسر چین به اتهام دست داشتن در خصوصی‌سازی‌ها به مجازات‌های مختلف محکوم گردیدند. ظاهراً، چین طی چند سال کارخانه‌ها، کارگاه‌ها و شرکت‌های تجاری به ارزش کل ۱۲۲ تریلیون یوان را بازپس گرفته است (در حدود ۱۹ تریلیون دلار). ۴۵ تریلیون یوان (نزدیک به ۷ تریلیون دلار) انتقال یافته به خارج را نیز با تهدید به تیرباران، از اعضای خانواده سهامداران سابق بازگردانده شد. به رغم این ادعا، با چشم غیر مسلح هم می‌توان دید که این یک اطلاعات نادرست است.

با این حال، بدون آتش هیچ دودی بلند نمی‌شود. شی جین‌پینگ برای جلوگیری از سرقت پول دولتی و اموال دولتی واقعاً اقداماتی برای مسدود کردن کانال‌های مختلف به عمل آورد که از طریق آن‌ها ثروت‌ها به سوی بخش خصوصی سرازیر می‌شد. گزارش کمیسیون مرکزی بازرسی انضباطی حزب کمونیست چین در اکتوبر ۲۰۱۷، تأیید می‌کند که از زمان به قدرت رسیدن شی جین‌پینگ، در مجموع ۱.۳۴ میلیون مقام به اتهام فساد تحت پیگرد قانونی قرار گرفته است. به ابتکار شی جین‌پینگ، عملیات «شبکه آسمانی» برای بازگرداندن مقامات فراری به کشور آغاز شد. به گزارش خبرگزاری شینهوا، در جریان این عملیات در سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۴ تعداد ۲۵۶۶ مقام فاسد که در ۹۰ کشور مخفی شده بودند، به اضافه ۸.۶ میلیارد یوان (۱.۲۵ میلیارد دلار) سرمایه خارج شده توسط آن‌ها به چین بازگردانده شد. با این حال، تأیید این که آیا مقامات فاسد دستگیر شده در این عملیات اعدام شده‌اند یا خیر، غیرممکن است، زیرا جمهوری خلق چین آمار مجازات اعدام را فاش نمی‌کند.

هیچ ارزیابی کلی از نتایج مبارزه با فساد و سرقت اموال دولتی در سال‌های اخیر وجود ندارد. اما تقریباً هر هفته گزارش‌هایی در این زمینه از چین می‌رسد. با این وجود، گلوبال تایمز در جنوری سال گذشته از مصادره اموال و اعدام لای شیائومینگ، رئیس سابق هیأت مدیره شرکت دولتی مدیریت دارایی هارونگ چین خبر داد. متهم در حدود ۱.۷۹ میلیارد یوان (۲۷۷ میلیون دلار) پول و دارایی غیرقانونی، مستقیماً یا از طریق واسطه‌ها به دست آورده بود. به گفته دادگاه، بیشتر اموال مسروقه به خزانه دولت بازگردانده شد.

تشدید کنترل دولت بر اقتصاد، راه دیگر مبارزه با تقویت خطرناک بخش خصوصی بود. در ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰، کمیته مرکزی حزب کمونیست چین با هدف تقویت تأثیر خود بر بخش خصوصی اقتصاد، بخشنامه‌ای صادر کرد. در این بخشنامه حزب از جبهه متحد (جبهه متحد میهنی خلق چین- انجمن سیاسی جمهوری خلق چین به رهبری حزب کمونیست) خواست تا نقش رهبری دولت را در بخش خصوصی افزایش دهد. به این ترتیب، سرمایه‌گذاران، مدیران

ارشد و بنیانگذاران شرکت‌هایی از هانگ‌کانگ و ماکائو که در پروژه‌هایی در سرزمین اصلی چین سرمایه‌گذاری می‌کردند، تحت کنترل بیجینگ قرار گرفتند.

در سخنرانی‌های شی جین‌پینگ، پیام‌هایی در مورد ضرورت تقویت بخش دولتی اقتصاد به گوش می‌رسد. از جمله، در گزارش به کنگره ماقبل آخر حزب (نوزدهم) که در پایان سال ۲۰۱۷ برگزار شد، رهبر چین با تمرکز بر نقش رهبری بخش عمومی (دولتی) اقتصاد گفت: «حفظ و بهبود بخش اصلی اقتصاد و نظام توزیع سوسیالیستی ما به اضافه تقویت و توسعه بخش عمومی اقتصاد بی‌هیچ تردید ضروری است».

ظاهراً رهبر کنونی حزب کمونیست چین، خلاف اسلاف خود، اقتصاد سیاسی مارکسیست-لنینیستی را بخوبی درک می‌کند. او طی سخنرانی در بیست و هشتمین اجلاس کاری دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در ۲۳ نوامبر ۲۰۱۵، با یادآوری موقعیت کلیدی و نقش تعیین‌کننده مالکیت ابزار تولید در شکل‌گیری مناسبات اقتصادی گفت: «مالکیت ابزار تولید از نظر اقتصاد سیاسی مارکسیستی، هسته اصلی مناسبات تولیدی بوده و ماهیت بنیادی جامعه و سمت و سوی توسعه آن را تعیین می‌کند. حزب ما پس از اصلاحات و گشایش، هم تجربیات مثبت و هم تجربیات منفی را تجزیه و تحلیل کرد و یک نظام اقتصادی پایه برای مرحله اولیه سوسیالیسم ایجاد کرد. ما در این چارچوب بر اهمیت تداوم تبدیل مالکیت دولتی به پایه اصلی به موازات اجازه به توسعه سایر اشکال مالکیت تأکید کرده‌ایم».

شی جین‌پینگ در ۱۶ اگست ۲۰۲۰ طی مقاله‌ای که در مجله کیوشی منتشر شد، در مورد حال و آینده اقتصاد سیاسی مارکسیسم-لنینیسم در چین نوشت: «سست کردن موقعیت مسلط مالکیت دولتی غیرممکن است و نمی‌توان نقش رهبری اقتصاد دولتی را متزلزل کرد».

رسانه‌های چینی در سال‌های اخیر، درخواست‌هایی از سوی شهروندان و نامه‌های سرگشاده از گروه‌های اجتماعی حاکی از بیم و نگران آن‌ها از غربی‌سازی شدید آموزش اقتصادی در چین منتشر می‌کنند. به عنوان مثال، در پایان سال ۲۰۲۰، نامه سرگشاده تعدادی از استادان دانشگاه مالی و اقتصاد نانجینگ، خطاب به وزیر آموزش و پرورش جمهوری خلق چین با واکنش گسترده روبه رو شد. در نامه آمده است: «در دوره مقدماتی، ۶ ساعت تحصیلی در هفته به اقتصاد غرب و تنها ۲ تا ۳ ساعت به اقتصاد مارکسیستی اختصاص داده می‌شود. در برخی از دانشگاه‌ها، در میان موضوعات اصلی مقدمات اقتصادی، دیگر هیچ واحد خاصی در مورد اقتصاد سیاسی مارکسیستی تدریس نمی‌شود». یکی از نویسندگان این نامه، او گانچیانگ، بیشتر در ۳۱ مه ۲۰۲۰، یک مقاله زیر عنوان بسیار معنادار: «غربی‌سازی اقتصادی دلیل مهم مرگ حزب و کشور اتحاد جماهیر شوروی بود»، منتشر کرده بود. این مقاله در مورد خطر بزرگ اجازه دادن به مدل اقتصاد بازار در چین و نظریه‌های اقتصادی غرب در آموزش صحبت می‌کند. همه این‌ها می‌تواند به فاجعه فروپاشی حزب کمونیست و جمهوری خلق چین منجر شود.

به دلایل واضح، نه شی جین‌پینگ و نه دیگر رهبران جمهوری خلق چین به خود اجازه نمی‌دهند بپذیرند که «سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی» در واقع سرمایه‌داری تقریباً تمام عیار است. با این حال، کسانی که در خارج از چین زندگی و کار می‌کنند، می‌توانند چنین استنتاجاتی بکنند. برای مثال، رونالد کوز، اقتصاددان امریکائی و برنده جایزه نوبل و نینگ وانگ، مدرس دانشگاه شیکاگو، در سال ۲۰۱۲ کتابی با عنوان «چگونه چین سرمایه‌داری شد» به چاپ رساندند.

برخی چین‌شناسان معتقدند تغییراتی که در چین بزرگ از سال گذشته آغاز شد، در گستره خود می‌توان آن را با انقلاب فرهنگی زمان مانو مقایسه کرد. در آخر ماه اگست ۲۰۲۱، در بسیاری از رسانه‌های چینی، مقاله‌ای از لی گوانگمن، روزنامه‌نگار ایالتی درباره مسیر جدید شی جین‌پینگ، گوئی به دستور، اما طبق معیارهای چینی، بیش از جسورانه با عنوان: «همه می‌توانند احساس کنند که تحولی عمیق در حال وقوع است»، منتشر شد. و این هم گزیده‌ای

از آن مقاله: «اگر ما همچنان به سرمایه‌داران بزرگ به عنوان نیروی اصلی مبارزه با امپریالیسم و سلطه‌گری تکیه کنیم، یا اگر به همکاری با صنعت «سرگرمی انبوه» امریکا ادامه دهیم، جوانان ما قدرت و شجاعت خود را از دست خواهند داد و ما آسیب خواهیم دید. همان فروپاشی مانند اتحاد جماهیر شوروی، حتی قبل از این که مورد حمله واقعی قرار بگیریم، اتفاق خواهد افتاد».

این مقاله شمار زیادی از اقداماتی را که توسط مقامات چینی در سال ۲۰۲۱ برای مبارزه با فساد، ترویج فرهنگ پاپ غربی، چاپلوسی در مقابل غرب، غربی‌سازی آموزش و پرورش، کسب درآمدهای بدون زحمت و غیره فهرست کرده است. نویسنده مقاله ضمن حمایت از انقلاب فرهنگی جدید، ابراز امیدواری می‌کند، که «بازار سرمایه دیگر بهشت سرمایه‌دارانی که می‌توانند یک شبه ثروتمند شوند، نخواهد بود. بازار رویدادهای فرهنگی، دیگر بهشت ستارگان دختر نخواهد بود و اخبار و افکار عمومی دیگر فرهنگ غربی را پرستش نخواهند کرد <...> ما به ساختن فرهنگی پویا، سالم، شجاع، قوی و مردم‌مدار نیاز داریم».

تقریباً یک سال پس از انتشار این مقاله، اوضاع پیرامون تایوان بشدت تشدید گردید. سرزمین اصلی چین با خطر جدی جنگ رو در رو قرار گرفت. اگر چه هنوز جنگی در کار نیست، اما روابط بین چین و ایالات متحده بشدت تیره شده است. با این حال، این وضعیت یک مزیت قابل توجهی دارد و آن این که به یک عامل قدرتمند برای متحد کردن ملت چین در برابر تهدید خارجی تبدیل شده است.

شی جین‌پینگ بهتر از هر کس دیگری در چین می‌داند که عدم مطابقت بین زیربنای اقتصادی و روبنای سیاسی در جامعه چین تا کجا پیش رفته است. و اگر حزب کمونیست چین در کنگره بیستم موفق شد تغییراتی در روبنای سیاسی به نفع خود و به نفع سوسیالیسم (تصمیمات پرسنلی) انجام دهد، اما در امر احیای شالوده سوسیالیستی هنوز کار عظیم و طولانی در پیش دارد.

منبع: [وبگاه بنیاد فرهنگ ستراتیژیک](#)

* - پروفیسور، دکتر علوم اقتصادی، مدیر مرکز پژوهش‌های اقتصادی «شاراپوف» فدراسیون روسیه

۲۴ آذر - قوس ۱۴۰۱